



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

## تحلیل چیست؟ وجه تمایز آن با تفسیر چیست؟ (شماره ۱)

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: فرخی

۱	..... نکات مهم
۱	..... مقدمه
۲	..... تعریف واژه تحلیل
۳	..... مراحل ده‌گانه شکل گرفتن تحلیل
۴	..... اصول و قواعد اساسی در نگارش تحلیل خوب
۴	..... جلب اعتماد <input type="checkbox"/>
۴	..... زبان تحلیل و واکنش مخاطبان <input type="checkbox"/>
۵	..... تحلیل و تبلیغ <input type="checkbox"/>
۵	..... نگاه تحلیل‌گر <input type="checkbox"/>
۶	..... گرفتن نتیجه در تحلیل <input type="checkbox"/>
۶	..... وجه تمایز تحلیل با تفسیر
۸	..... نتیجه‌گیری

- تحلیل تلاش ذهنی تحلیلگر است که برای ساده کردن مفاهیم پیچیده، درک اجزای تشکیل دهنده یک پدیده، بررسی ارتباط میان پدیده تحلیل شده با دیگر پدیده‌ها و پیش‌بینی تحولات آینده انجام می‌شود و متکی بر نگاهی منطقی و بیانی استدلالی در طرح و نگارش مطالب است و به عناصر خبری «چرا» و «چگونه» پاسخ می‌دهد.
- تفسیر گزارش اخبار و وقایع است که همراه با عقیده و نظر مفسر و یا نهادی که در آن کار می‌کند، ارائه می‌شود و در پاسخ به عنصر خبری "چرا" شکل می‌گیرد.
- تحلیل‌گر با کاوشی ذهنی سعی می‌کند از ظواهر پدیده به امور پنهانی دست یابد و مفاهیمی را که افراد عادی قادر به درک آنها نیستند به زبان ساده و قابل درک به دیگران منتقل کند.
- هدف تحلیل سیاسی پاسخ دادن به پرسش‌های بی‌جواب مسائل سیاسی روز یا بررسی تحولات و پدیده‌های سیاسی است که در گذشته اتفاق افتاده و آثار آن تاکنون باقی است.
- مرز اساسی میان تفسیر و تحلیل در هر رسانه "موضع‌گیری" مفسر در تفسیرهای خبری رسانه‌هاست.
- در تحلیل هم موضع‌گیری وجود دارد، اما با این تفاوت که غلظت موضع‌گیری تحلیلگر از غلظت موضع‌گیری مفسر کمتر است و جز مخاطبان زیرک، کمتر کسی می‌تواند این موضع‌گیری نهفته را تشخیص دهد و آن را درک کند.

## مقدمه

عصر حاضر عصر جوامع پیچیده است. جوامع هرچه به سوی پیچیدگی حرکت می‌کنند، حوادث و رویدادها هم از علی مخفی‌تر و فراوان‌تر نشأت می‌گیرند و انگیزه‌ها برای پوشیده نگه داشتن علل حوادث قوی‌تر می‌شود، از این رو تحلیل و تفسیرها از صحت و دقت پایین‌تری برخوردار می‌شوند و افرادی که بتوانند به تحلیل و تفسیر درست حوادث و پدیده‌ها دست یابند، تعدادشان کمتر می‌شود.

از سوی دیگر، همه ما در پی کشف حقایق و درک واقعیت‌هایی هستیم که به هر دلیل به نظر ما نرسیده‌اند، یا اینکه کسانی خواسته‌اند از دید ما پنهان بمانند، اما وجه پنهان این پدیده‌ها، تنها از طریق تعمق و تلاش فکری قابل کشف و شناخت است و هر فردی هوش و توانایی کشف وجوه پنهان حوادث ندارد، به همین دلیل وقتی تحلیل دقیقی از یک حادثه می‌شنویم با علاقه فراوان‌تری به آن تحلیل گوش می‌دهیم و مجذوب آن می‌شویم.

تحلیل به عنوان یک ژانر مهم خبری بیش از آنکه در صدد پاسخ دادن به سؤالات و حل مسائل پیچیده باشد، به دنبال کشف حقایق و درک آن واقعیت‌هاست تا اطلاعات و آگاهی‌های درستی به مخاطبان در زمینه حوادث و پدیده‌ها عرضه کند؛ بنابراین ضروری است تا رسانه ملی با استفاده از تحلیل‌گران زبده، ابعاد و واقعیت‌های پنهان حوادث و پدیده‌های پیچیده را برای مخاطبان تبیین کند و با پاسخگویی به این نیاز مخاطبان، موجب جلب توجه و اعتماد مخاطبان شود. در

مطلب زیر ابتدا ضمن تعریف واژه "تحلیل"، به مراحل ده‌گانه شکل‌گیری آن اشاره می‌شود و در ادامه قواعد و الزامات یک تحلیل خوب برمی‌شمرده و در پایان وجوه تمایز تحلیل و تفسیر بیان می‌شود.

## تعریف واژه تحلیل

ریشه کلمه "تحلیل" عربی است که در زبان فارسی به معنای مختلف به کار می‌رود. در لغت‌نامه "عمید" تحلیل به معنای حلال کردن، حل کردن، گشودن، روا شمردن و تجزیه کردن آمده است. در فرهنگ "معین" نیز در ذیل کلمه تحلیل آمده است. ۱- از هم‌گشادن (چیزی را) ۲- حلال کردن، روا شمردن، روا داشتن ۳- دو یا چند بخش کردن لفظی را و هر بخش معنی علی‌حده گرفتن و بعضی را به حال خود گذاشتن، همچنین به معنای تجزیه‌کردن و از هم‌گذاشتن و به معنی تکبیرگفتن آمده است.

آنچه که در روش تحلیل سیاسی مورد نظر است، معادل کلمه انگلیسی ANALYSIS است و نه آنچه که در زبان انگلیسی (INTERPRETATION) به معنای تشریح و تبیین بکار برده می‌شود. در واقع تجزیه‌کردن مفاهیم پیچیده سیاسی به مفاهیم جداگانه ساده‌تر به منظور ارائه نگاهی دقیق‌تر به آن پدیده سیاسی تنها بخشی از مفهوم تحلیل است، که اساسی‌ترین بخش به شمار می‌رود. اما نمی‌توان همه مفهوم "تحلیل" را به "تجزیه‌کردن" محدود کرد. (بهشتی‌پور، ۱۳۹۴، صص ۱۴ و ۱۵)

تحلیل موشکافی و بررسی یک پدیده در ابعاد متفاوت، برای رسیدن به پاسخ یا نتیجه مطلوب است. با تحلیل، بخش‌های متعدد یک پدیده و ارتباط این بخش‌ها با یکدیگر، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

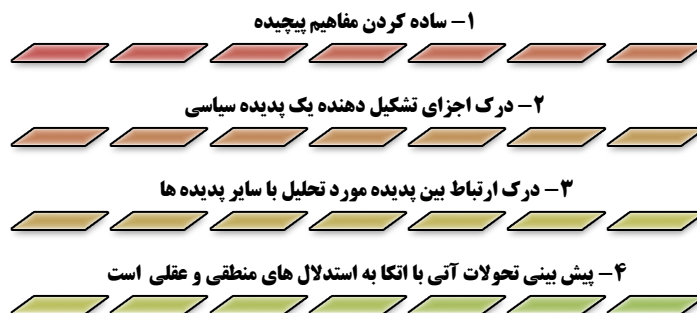
موضوع تحلیل سیاسی، علم سیاست و رخدادهای سیاسی است و تحلیل‌گر با استفاده از آن، به تشریح و تبیین موضوع‌های پیچیده و یا ناشناخته در حوزه مسائل سیاسی می‌پردازد. هدف تحلیل سیاسی پاسخ دادن به پرسش‌های بی‌جواب مسائل سیاسی روز است و یا بررسی تحولات و پدیده‌های سیاسی که در گذشته اتفاق افتاده است، اما آثار و نتایج آن‌ها هنوز وجود دارند و بر تحولات روز تأثیرگذار هستند.

بر این اساس، می‌توان گفت تحلیل سیاسی به حوزه تبیین و ریشه‌یابی تحولات روز و کنکاش درباره موضوعات سیاسی مهم در گذشته به منظور کشف حقایق و درک واقعیت‌های موجود می‌پردازد. نتیجه هر تحلیل سیاسی کشف حقایق و درک واقعیت‌ها و ساده شدن موضوعات پیچیده باید باشد. (بهشتی‌پور، ۱۳۹۳/۴/۱۰، بازیابی از سایت خبرگزاری دانشجو)

تحلیل عبارت است از توصیف حقیقی یک رویداد بدون بیان اظهارنظر نویسنده. نویسنده معمولاً، اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع مختلف و سابقه تاریخی رویداد را به هم مرتبط ساخته و در شناساندن علت و انگیزه و همچنین نحوه وقوع رویداد کوشش می‌کند. در واقع به عناصر "چرا و چگونه" توأم پاسخ می‌گوید. (بهرامیان، ۱۳۹۴/۸/۱، بازیابی از سایت پارسینه)

تحلیل، نگاهی عمیق به موضوعی مهم و با اهمیت است که براساس اطلاعات موثق تهیه شده و در آن از نظرات و منابع مختلفی که نام‌شان آورده شده استفاده شده باشد. نیازی نیست که تحلیل، نگاهی را منتقل کند که موافق نگاه عرف جامعه باشد. گاه بهترین تحلیل‌ها همین نگاه را به چالش می‌کشانند. (جوانفکر و امیری، ص ۱۴، ۱۳۹۲)

تحلیل کردن در واقع تلاش ذهنی تحلیل‌گر است برای:



بنابراین برای تحلیل کردن پدیده‌های سیاسی تنها به تشریح و تبیین پدیده مورد تحلیل اکتفا نمی‌شود بلکه تحلیل‌گر با کاوشی ذهنی سعی می‌کند از ظواهر پدیده به امور پنهانی دست یابد و مفهیمی را که افراد عادی قادر به درک آنها نیستند به زبان ساده و قابل درک به دیگران منتقل کند. (بهشتی‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۵)

### مراحل ده‌گانه شکل گرفتن تحلیل

- انتخاب مسئله‌ای که قرار است تحلیل شود: به‌طور قطع موضوعی را انتخاب کنید که بتوانید آن را تحلیل کنید.
- گردآوری و پردازش اطلاعات درباره موضوع مورد تحلیل: طبیعی است که اطلاعات خام درباره یک موضوع نمی‌تواند برای تحلیل راهگشا باشد. به همین دلیل، باید اطلاعات موجود را درباره موضوع تحلیل، پردازش کنید. پردازش و پرورش اخبار، عبارت از به عمل آوردن اخباری است که شامل ویژگی‌های خاصی مانند مرتب کردن، تجزیه، ترکیب، تطبیق، محاسبه، ادغام، طبقه‌بندی و امثال آن می‌شود.
- پیدا کردن ارتباط‌های پنهان و آشکار بین موضوع مورد نظر با سایر پدیده‌های مرتبط با آن موضوع به‌منظور درک حقایق و یا واقعیت‌هایی که کمتر برای افراد عادی قابل درک هستند.
- تجزیه پدیده مورد نظر به‌منظور فهم جزئیات لازم برای تحلیل موضوع از طریق شناخت بازیگران اصلی و فرعی و اهداف و منافع آن‌ها و نیز تشخیص عوامل و یا علل به‌وجودآورنده خبر مورد نظر یا پدیده مورد بحث و تشخیص اجزای تشکیل‌دهنده خبر یا پدیده‌ای که قرار است تحلیل شود.
- شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای مطرح درباره موضوع یا پدیده مورد تحلیل از طریق مطالعه روندهای گذشته و کشف نقاط عطف آن‌ها.
- طراحی پرسش‌های اساسی و پیدا کردن پاسخ‌های مناسب برای همان پرسش‌ها در قالب ارائه احتمال‌ها و فرضیه‌ها که باید مورد توجه قرار گیرند. این پرسش‌ها و پاسخ آن‌ها در قالب احتمال‌ها و فرضیه‌ها به‌منظور پیدا کردن مبانی تحلیلی درباره چرایی‌ها و چگونگی‌ها و پاسخ به پرسش‌های مطرح در ذهن تحلیل‌گر، طراحی و برای مخاطبان ارائه می‌شود.
- تعیین روش مناسب برای ارائه استدلال یا فکت‌هایی که اثبات‌کننده یا نافی دیدگاهی است که تحلیل‌گر برای اثبات یا رد آن نظر، تحلیل می‌کند: در هر تحلیلی ممکن است تحلیل‌گر برای اثبات یا رد دیدگاه‌های مطرح‌شده یا به علت‌ها توجه کند که برای اثبات یا رد آن‌ها باید به دلایل روشن و روش مناسب استدلال کردن توجه کند. (در این بخش، شناخت علت‌ها و معلول‌های مرتبط با موضوع یا پدیده مورد نظر برای تحلیل بیشتر اهمیت دارند) یا آنکه برای رد کردن یا تأیید کردن دیدگاه‌های مورد نظر به عامل‌های ایجادکننده و یا عناصر تشکیل‌دهنده پدیده مورد

تحلیل، به صورت آمارها و یا نمودارها و یا اسناد معتبر، استناد نماید. (در این حالت، فاعل‌ها همان بازیگران هستند و شناخت منافع آن‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند).

۸) تعیین جهت‌گیری تحلیلی و نقشه راهی که قرار است تحلیل‌گر با مخاطب خود به آنجا برسد: هر تحلیل‌گری برای ارائه تحلیل خود می‌داند در نهایت قرار است چه پیامی را به مخاطب خود منتقل کند و هم اطلاع دارد که از کجا شروع کند، چه مراحل را طی نماید و سرانجام به کجا برسد.

۹) در نظر گرفتن سناریوهای پیش رو و پیش‌بینی تحولات آتی: اگرچه در همه تحلیل‌های سیاسی، ارائه پیش‌بینی‌های منطقی امکان‌پذیر نیست، اما با روش سناریوخوانی و سناریوپردازی می‌توان در موارد بسیاری تحولات آتی را پیش‌بینی کرد.

۱۰) ارائه جمع‌بندی یا نتیجه‌گیری: در یک تحلیل سیاسی، ارائه جمع‌بندی از آنچه مطرح شده است و یا نتیجه‌گیری از مباحث ارائه‌شده در پایان تحلیل ضرورت دارد. (بهشتی‌پور، ۱۳۹۳/۴/۱۰، بازیابی از سایت خبرگزاری دانشجو)

## اصول و قواعد اساسی در نگارش تحلیل خوب

اصل اساسی در تحلیل، حقایق و واقعیت‌هاست. بدون در دست داشتن حقایق، نمی‌توان نظریه‌ای را ثابت کرد. دادستان زمانی که می‌خواهد جرم متهمی را ثابت کند به اطلاعات و شواهدی نیاز دارد که بتواند به عنوان دست‌آویز در اثبات جرم علیه متهم از آن استفاده کند. زیرا بدون ارائه شواهد و اسناد معتبر "حقایق و واقعیت‌ها" نمی‌تواند یک فرد متهم به قتل را پای دار ببرد. وقتی شما اطلاعات لازم از حقایق و واقعیت‌ها نداشته باشید ممکن است با استدلال‌هایی که در تحلیل‌تان مطرح می‌کنید، مخاطبان را گمراه و اعتماد آن‌ها را نسبت به خود خدشه‌دار کنید.

معمولاً تحلیل‌گر، زمانی استدلال‌ها و فرضیه‌های پوچی را مطرح می‌کند که نه به اطلاعات لازم دسترسی دارد و نه در صحنه حضور دارد. در چنین حالتی استدلال‌های مطرح شده از جانب تحلیل‌گر می‌تواند به عنوان دیدگاه‌های شخصی او قلمداد شود نه دیدگاه‌های تحلیل‌گری حرفه‌ای. خطری که چنین تحلیلی به دنبال دارد این است که می‌تواند مخاطبان را گمراه کند. یکی از معانی "گمراه کردن" به بی‌راهه بردن و دورکردن از واقعیت است. وقتی تحلیل بر مبنای فرضیه‌ای استوار باشد که با حقایق موجود مطابقت ندارد پیامد آن به بی‌راهه کشاندن مخاطبان است. حضور در صحنه و یا تماس با منابع برای دریافت اطلاعات، اصل حتمی در ارائه یک تحلیل خوب است. برخی از مولفه‌های مرتبط با این موضوع عبارتند از:

### □ جلب اعتماد

جلب اعتماد مخاطبان برای یک تحلیل‌گر مثل آن است که هنرمندی می‌خواهد با اجرای آهنگی زیبا مخاطبانش را به وجد آورد. کسب اعتماد مخاطبان ثروتی گران‌بها برای تحلیل‌گر است. در حالی که یک خبرگزاری با رعایت اصل صحت و دقت در خبرهایش اعتماد مخاطبانش را حفظ می‌کند، بخش بیشتری از این اعتماد را می‌تواند از تحلیل‌هایش کسب کند. محک اساسی در تحلیل، بیان ژرف حقایق با دقت، صداقت و بی‌طرفی است. زیرا تحلیل‌گر مثل هنرمند زمانی احساس رضایت می‌کند که مطمئن شود مخاطبان به آن‌چه او می‌گوید اعتماد می‌کنند.

### □ زبان تحلیل و واکنش مخاطبان

زمانی، نوشته‌های طولانی محکی برای یک تحلیل خوب پنداشته می‌شد. به ویژه پرداختن به سابقه رویداد و کش دادن آن. اما حالا مخاطبان را نمی‌توان مدت زیادی حفظ کرد. یکی از چالش‌های امروزی برای تحلیل‌گران این است که پیام خود را کوتاه ولی پرمعنا به مخاطبان برسانند.

تحلیل‌گر باید در هر پاراگراف، یک ایده منفرد را مطرح کند، ایده‌ای که بخشی از موضوع اصلی تحلیل به شمار می‌رود و در کل در به کرسی نشاندن استدلال، تحلیل‌گر را کمک می‌کند. بیان کلیات در تحلیل چیزی کم‌تر از "گرافه‌گویی" نیست و موجب فرار مخاطبان می‌شود.

یکی از مقاصد اصلی نگارش و ارائه تحلیل، برانگیختن واکنش مخاطبان است. تحلیل‌گر باید اول از خود بپرسد که چه چیزی را می‌خواهد به مخاطبانش عرضه کند و در مقابل از مخاطبان چه انتظاری دارد؟ در تحلیل نیز مثل خبر، تحلیل‌گر باید به پرسش‌هایی که مخاطبان انتظار دارند پاسخ دهد. تحلیل‌گر باید قادر باشد در ارائه فرضیه‌ها و استدلال‌هایش واکنش مخاطبان پیامش را برانگیزد زیرا یکی از اهداف تحلیل، دیدن بازتاب آن بر روی مخاطبان است. هر گاه یک تحلیل نتواند واکنش و مباحث بیشتری را در میان مخاطبان برانگیزد مثل شلیک هوایی است که بدون آن که به هدف اصابت کند، جز صدا، اثر دیگری از خود به جا نمی‌گذارد.

### □ تحلیل و تبلیغ

در برخی از کشورها از تحلیل رسانه‌ها برداشت متفاوتی وجود دارد. در این رهیافت تحلیل عبارت است از وسیله‌ای برای تبلیغ سیاست‌های درست یا نادرست است. در چنین رهیافتی تنها گزینه تحلیل‌گر دفاع از مواضع موافق و یا نقد مواضع مخالف است. حتی در چنین وضعیتی نیز در قواعدی که تحلیل باید بر مبنای آن استوار باشد تفاوتی به وجود نمی‌آید. تحلیل‌گر باید به هر حال برای اقناع مخاطبان از حقایق و نیز استدلال‌ها بر مبنای حقایق استفاده کند. اما مشکل اصلی در چنین مواردی برانگیختن واکنش مخاطبان است. تجربه ثابت کرده که مخاطبان در برداشت از چنین رهیافت‌هایی از آغاز می‌دانند که تحلیل‌گر چه واکنشی از آن‌ها انتظار دارد، به‌ویژه که در بیش‌تر موارد تحلیل‌گران در چنین مختصاتی ناگزیر می‌شوند به جای تکیه بر حقایق و احتمالات مبتنی بر حقایق، دست به لفاظی بزنند. در تحلیل به عنوان یک ژانر مهم خبری، هیچ محلی برای لفاظی وجود ندارد. لفاظی در تحلیل از اعتماد مخاطبان می‌کاهد و آن‌چه را تحلیل‌گر به دنبال آن است حاصل نمی‌شود.

### □ نگاه تحلیل‌گر

معمولاً مخاطبان به یک تحلیل از روی اسم و شهرت نویسنده آن و یا محل اقامت نویسنده اهمیت می‌دهند. تحلیل‌گر یا این‌که در محل حوادث که تحلیل به آن اختصاص دارد حضور دائم دارد یا این‌که در آن محل رفت و آمد می‌کند. نگاه کسی که از شیشه پنجره خانه‌اش به ریزش قطرات باران می‌نگرد و از آن لذت می‌برد با نگاه کسی که در بیرون است و سعی دارد از قطرات باران فرار کند تفاوت زیادی دارد. برقراری تماس حضوری با منابع خبری، سیاست‌گذاران، اعضای پارلمان و حکومت، فعالان سازمان‌های اجتماعی، نظامیان و اقشار عادی جامعه، تحلیل‌گر را در موقعیتی قرار می‌دهد که همواره دستی پر برای مطرح کردن فرضیه‌ها و احتمالات و نیز استدلال درست داشته باشد.

ولی در برخی موارد آن‌چه را که یک ناظر اوضاع از بیرون می‌تواند ببیند تحلیل‌گری که در درون جامعه حضور دارد نمی‌تواند ببیند. این موضوع باز هم برمی‌گردد به حس و توانایی‌های حرفه‌ای تحلیل‌گر. بی‌جهت نیست که بهترین تحلیل‌ها را گاهی از تحلیل‌گرانی می‌خوانیم که بسیار دور از محل حوادث قرار دارند اما تمام حوادث را با ذره‌بین زیر نظر دارند و در اکثر موارد پیش‌بینی‌هایی را که در تحلیل‌هایشان مطرح می‌کنند درست از آب درمی‌آید. چنین تحلیل‌گرانی نیز در تماس دائمی با منابع خبری، سیاسیون و کسانی قرار دارند که می‌توانند در تحلیل خود از نظریات آن‌ها استفاده کنند. اما نباید فراموش کرد که منابع باید همواره قابل اعتماد باشند و برای حفظ توازن دیدگاه‌های مخالف و متضاد در تحلیل مطرح شود.

## □ گرفتن نتیجه در تحلیل

مهم‌ترین بخش تحلیل تحلیل‌گر نتیجه‌ای است که می‌خواهد به مخاطبانش بدهد. نتیجه معمولاً جمع‌بندی مشخصی است که تحلیل با آن پایان می‌یابد. این نتیجه‌گیری می‌تواند یک جمله کوتاه و حتی یک کلمه باشد. در نتیجه‌گیری دیگر جایی برای طرح پرسش دیگری که مستلزم توضیح باشد، وجود ندارد.

در بسیاری از تحلیل‌ها، تحلیل‌گر خودش نمی‌خواهد از بحثی که مطرح کرده نتیجه مشخصی ارائه کند. بلکه با مطرح کردن یک پرسش باز، گرفتن نتیجه را برعهده مخاطبان می‌گذارد. در واقع مزیت چنین کاری این است که تحلیل‌گر با باز گذاشتن در بر روی مخاطبان به آن‌ها فرصت می‌دهد وارد بحث شوند و هر که به‌زعم خود نتیجه‌گیری کند. این یکی از بهترین شیوه‌های تحلیل است که تاثیر ماندگاری بر مخاطب می‌گذارد.

## وجه تمایز تحلیل با تفسیر

تحلیل و تفسیر دو همراه همیشگی خبر در رسانه‌ها هستند. گرچه نباید این همراهی را این‌گونه تعبیر کرد که هر خبری نیازمند تحلیل و تفسیر است؛ چرا که تحلیل و تفسیر بیشتر درباره‌ی خبرهایی ضرورت می‌یابند که از دیگر خبرهای مشابه، پیچیده‌تر به نظر می‌رسند و دارای ارزش‌های خبری لازم در نزد مخاطبان هستند؛ ارزش‌هایی که به هر خبر، توان جلب توجه و ظرفیت طرح تأمل می‌دهند و زمینه را برای تحلیل و تفسیر آن فراهم می‌کنند.

بین "تحلیل" و "تفسیر"، با وجود شباهت‌های ظاهری، تفاوت‌هایی ظریف نیز وجود دارد و مرزی این دو مفهوم را از یکدیگر جدا می‌سازد و به هر یک تعریف و نقشی خاص و گاه منحصربه‌فرد در عرصه اطلاع‌رسانی و به‌ویژه خبررسانی می‌دهد. در ادامه به برخی از نکات قابل تأمل در زمینه درک تفاوت‌ها در ترسیم مرز مشخص بین "تحلیل" و "تفسیر" اشاره می‌شود.

واژه "تفسیر"<sup>۱</sup> معادل واژه انگلیسی و به معنای بیان کردن و شرح دادن است که در فرهنگ انگلیسی-فارسی، واژگانی مانند: تفسیر، تعبیر و توضیح را در برابر خود می‌بیند.

به اعتقاد مانی‌فر؛ تفسیر گزارش اخبار و وقایعی است که همراه با عقیده و نظر مفسر ارائه می‌شود و در پاسخ به عنصر خبری "چرا" شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، آنچه باید ذهن مفسر را همواره به خود مشغول کند؛ طرح پرسش‌هایی مختلف البته با این مضمون مشترک است که "چرا" این رویداد در این مقطع زمانی به وقوع پیوست و در صدر خبرهای مورد علاقه مخاطبان جای گرفت؟ (مانی‌فر، ۱۳۹۱، بازبایی از وبلاگ محمدرضا مانی‌فر)

جوانفکر و امیری نیز معتقدند: بیان تحلیلی یک خبر یا موضوع که مفسر یا نویسنده نظر و موضع خود یا نهادی که در آن کار می‌کند را در آن اعلام می‌کند تفسیر است. تفسیر در رادیو و تلویزیون حکم سرمقاله روزنامه را دارد که در آن موضع و دیدگاه درباره‌ی موضوع یا خبر مورد بحث، بیان می‌شود. بنابر عقیده جوانفکر و امیری؛ در سال‌های اخیر تفاسیر و دیدگاه‌ها از زبان کارشناسان و یا به صورت غیرمستقیم بیان می‌شود تا مخاطب در مقابل آن موضع‌گیری نکند. (جوانفکر و امیری ص ۱۴ جزوه تخصصی مشاغل خبری - شهریور ۱۳۹۲)

تعریف دیگری از تفسیر چنین ارائه شده است: ارزیابی ذهنی و قضاوت شخصی در مورد رویدادهای خبری، تفسیر و اظهارنظر نام می‌گیرد. مفسر یا نویسنده درباره‌ی رویدادی که احتمالاً خبر آن جداگانه انتشار یافته است اظهارنظر می‌کند و در نوشته‌های خود، استنباط، اندیشه، قضاوت شخصی و استدلال خود را بیان می‌کند. اگر هم از نظریه‌های دیگران استفاده کند از آنهایی که مورد قبول خود اوست، بهره‌گیری می‌کند. در تفسیر و اظهارنظر، نویسنده ممکن است از موضوعی حمایت کند یا آن را رد کند. به‌طور کلی، تفسیر که در رده‌بندی مقاله‌های روزنامه‌نگاری قرار می‌گیرد، نظر

<sup>۱</sup>. Comment



نویسنده در مورد یک رویداد است و در آن به عنصر خبری «چرا» پاسخ داده می‌شود و پاسخ به «چرا» استنباط نویسنده است. (بازیابی از سایت پارسینه و سایت ویستا، ۱۳۹۴/۸/۱)

بنابراین "هدف" از تفسیر هر خبر قابل تفسیر، آشکار ساختن لایه‌های پنهانی است که به صورت مبهم در "متن" خبر وجود دارد و نیازمند شرح و توضیحی بیشتر است.

مفسران با کالبدشکافی هر خبر به ترسیم آنچه پنهان مانده است، دست می‌زنند و با درک نیازهای مخاطبان به پرسش‌های ذهنی آنها پاسخ می‌دهند و در این راه، با استفاده از اطلاعاتی که در اختیار دارند به گمانه‌زنی درباره پیامدهای آن می‌پردازند. از همین رو "تفسیر" را می‌توان مجموعه‌ای از اقدام‌ها دانست که مفسران بر روی خبرها انجام می‌دهند تا به کشف حقایقی تازه درباره هر خبر و در نهایت، نظر نهایی درباره آن دست یابند.

مفسران ضمن آنکه باید دارای توانایی تفسیر باشند؛ باید به تاریخ وقوع رویداد، تاریخ دریافت خبر و میزان اعتماد به خبر دریافتی نیز به درستی توجه کنند تا زمینه مناسب برای طرح "مستند" و "معتبر" تفسیر فراهم شود.

تفسیر در نگاه نخست شکلی از "ساختن" است که آگاهانه از ذهن انسان مفسر برمی‌خیزد و تا آنجا که توانی برای "اندیشه" و "پژوهش" وجود دارد، امتداد می‌یابد.

تفسیر هر خبر درحقیقت چیزی جز بررسی ابعاد مختلف آن نیست. در هر تفسیر، اطلاعاتی دقیق و مستند نیز ارائه می‌شود تا مخاطبان با تکیه بر آنها بتوانند به پاسخ‌های اقناع‌کننده درباره پرسش‌های احتمالی خود دست یابند.

تفسیر باید دارای "جهت‌گیری" باشد؛ چرا که تفسیر با هدف موضع‌گیری انتقادی در برابر رویداد و حادثه‌ای خاص ابراز می‌شود و با بررسی عمیق، جنبه‌های مختلف و به نسبت ناپیدای رویداد را در برابر مخاطبان قرار می‌دهد تا بسته به تخصص و توان مفسران در درک و پاسخگویی به نیازهای مخاطبان، ریشه‌های رویداد، شناسایی و پیامدهای احتمالی آن پیش‌بینی شود. باید دانست که تفسیرها به نگرش‌های مخاطبان شکل می‌دهند و زمینه‌ساز داوری ذهنی آنها درباره رویدادهای مختلف می‌شوند.

اما "تحلیل" که واژه‌ای عربی است در زبان مبدأ خود به معنای حلال کردن، روا شمردن و نیز تجزیه و هضم کردن به کار می‌رود و در هر فرهنگ انگلیسی - فارسی در برابر واژه Analysis قرار می‌گیرد که معنای تجزیه و تحلیل و بررسی و کندوکاو کردن می‌دهد.

تحلیل در حقیقت تلاش ذهنی تحلیل‌گر است که برای ساده‌کردن مفاهیم پیچیده، درک اجزای تشکیل‌دهنده یک پدیده، بررسی ارتباط میان پدیده تحلیل‌شده با دیگر پدیده‌ها و پیش‌بینی تحولات آینده انجام می‌شود و متکی بر نگاهی منطقی و بیانی استدلالی در طرح و نگارش مطالب است.

تحلیل را باید عمیق‌تر از تفسیر دید. تحلیل‌گران در تحلیل هر خبر، فرصت کافی برای طرح فرضیه‌های بیشتر دارند؛ چنانکه سعی می‌کنند تا آنجا که ممکن است با استخراج فرضیه‌های متفاوت به ابهام‌های مختلف دربار یک رویداد یا بحران خبرساز پاسخ دهند.

تحلیل‌گران در نگارش تحلیل‌ها تنها بر پایه اطلاعات و اخباری که گردآوری کرده‌اند، به عناصر خبری "چرا" و "چگونه" پاسخ می‌دهند. از این رو، هر اندازه که اطلاعات و اخبار گردآوری‌شده جامع‌تر و کامل‌تر باشند، قدرت استدلال تحلیل‌گران و توان تحلیل آنها افزایش می‌یابد و تحلیلی به نسبت عمیق و همه‌جانبه‌تر به مخاطبان ارائه می‌شود.

"موضع‌گیری" مفسر که در تفسیرهای خبری رسانه‌ها اهمیت بسیار دارد؛ در حقیقت مرز اساسی میان تفسیر و تحلیل در هر رسانه است. در تفسیرها، مفسران بنا بر سیاست‌های حاکم بر رسانه‌ای که برای آن تفسیر می‌نویسند ناگزیر از موضع‌گیری هستند. البته این موضع‌گیری‌ها با چهره‌ای منطقی و بیانی استدلالی به مخاطبان ارائه می‌شود. اما در تحلیل،

تحلیل‌گران با توجه به فضای حاکم با دستی بازتر به میدان فعالیت وارد می‌شوند و در مقایسه با مفسران، آزادی عمل بیشتری دارند.

تحلیل‌گران می‌کوشند تا علت‌ها، زمینه‌ها و چگونگی وقوع رویدادها را بدون آنکه نظر شخصی خود را دخالت دهند، بیان کنند و به صورت توأمان به عناصر خبری "چرا" و "چگونه" پاسخ دهند.

مفسران می‌توانند در بخشی از تفسیر خود از اطلاعات تحلیل‌گران استفاده کنند و نگاهی عمیق‌تر به یک رویداد یا بحران خبرساز بیندازند؛ چرا که تحلیل‌گران در تحلیل رویدادها، محدودیت‌های زمانی و اطلاعاتی مفسران را ندارند.

تفسیر و تحلیل حلقه وصل مشترکی دارند که همانا تکیه بر گردآوری "اخبار" و "اطلاعات" و برقراری ارتباط مناسب میان آنهاست. تحلیل‌گران و مفسران در چهار گام به تحلیل و تفسیر هر خبر دست می‌زنند:



البته گام‌های دوم و سوم، مهم‌ترین گام‌ها در دستیابی به تحلیل‌ها و تفسیرهای برتر و بهتر هستند. بنابراین می‌توان گفت میان "تفسیر" و "تحلیل" مرزبندی ظریفی وجود دارد و جداسازی آنها از یکدیگر گاه بسیار دشوار است. (مانی‌فر، ۱۳۹۱، بازیابی از وبلاگ محمدرضا مانی‌فر)

### **نتیجه‌گیری**

با تامل در مطالبی که در زمینه تعاریف تحلیل و تفسیر، و وجه تمایزات این دو سبک نوشتاری اشاره شده و در عین حال نگاه اجمالی به محتوای بخش‌های مختلف خبری "صداوسیما" و برنامه‌هایی که با رویکرد اطلاع‌رسانی و به‌ویژه خبررسانی می‌پردازند، این نکته استنباط می‌شود که از بین دو سبک تحلیل و تفسیر جای خالی "تحلیل" بیشتر حس می‌شود، بنابراین همان‌طور که گفته شد در تحلیل، موضع‌گیری شخصی و یا رسانه کمتر دخیل است و بیشتر علت‌ها، زمینه‌ها و چگونگی وقوع رویدادها بیان می‌شود و همین امر موجب جلب اعتماد مخاطبان و ارتقای سرمایه اجتماعی و در نهایت افزایش تعداد مخاطبان رسانه ملی می‌شود.